

## ریشه یابی هنر دوره ی اسلامی ایران در آداب و رسوم ایران باستان

پژوهشگر: مسعود کاظمی

کارشناس ارشد کارگردانی تئاتر، موسسه ی آموزش عالی نبی اکرم ۱

Email: MasoudKazemi200@gmail.com

چکیده

به راستی می توان گفت هنر مردم هر جامعه ای ریشه های محکمی در فرهنگ آن جامعه دارد، این فرهنگ شامل آداب و رسوم اقوام مختلف است که در طی مرور زمان و بر اثر زیستن و اندیشیدن نسل ها در هر قوم آرام آرام ایجاد می گردد، پس برای درک بهتر و دقیق تر هنر هر سرزمین با علم بر دگرگونی های گاه به گاه آن جامعه در اثر هجوم فرهنگ های دیگر ناچار به جستجو در تاریخ آن سرزمین هستیم، چون پیشینه فکری گذشتگان هیچ گاه از میان نخواهد رفت و در اعماق ذهن نسل های بعدی ته نشین خواهد شد و با شکل و رنگی تازه نمود پیدا خواهد کرد. با نگاهی در تاریخ هنر ایران باستان در ادروار مختلف در می یابیم که هنر این سرزمین همواره از آیین ها و رسوم ایشان سرچشمه گرفته است و خواه ناخواه این آداب در هنر دوره اسلامی این سرزمین نیز تاثیر بسزایی داشته است.

اما بر این اساس پرسشی نیز مطرح می شود که با اینکه هنر اسلامی از اندیشه ی قومی دیگر زاده شده و دیدگاهی دگرگونه داشته است چگونه از ویژگی های بومی ایرانی سرشار گشته است؟ آیا برآستی فرهنگ تنها عامل اثر گذار می باشد و این تقابل فرهنگی به تبادل فرهنگی تبدیل شده است؟ یعنی همانطور که آداب و اندیشه ی ایرانی در هنر اسلامی اثر گذار بوده، اندیشه ی اسلامی نیز در هنر ایران نفوذ کرده است؟ با بررسی هنر اسلامی در ایران و تفاوت آن با سایر کشورها به درک بهتری از این مفهوم می توان دست یافت.

در این پژوهش که به صورت کتابخانه ای گرد آوری شده و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی-تطبیقی است، سعی شد تا همسانی و اشتراکات هنر اسلامی و هنر دردوره ی ایران باستان با باورها، آداب و رسوم ایشان بررسی شود و همچنین با الگو قراردادن نمادها به این نکته دست یافته شد که باورها و برداشتهای مردم یک سرزمین با سرزمینی دیگر حتی در مورد دینی یکسان نیز می تواند بسیار متفاوت باشد و مفهوم متفاوتی را ایجاد کند. برای نمونه به هنر معماری ایرانیان که قبل از ورود اسلام به ایران در خدمت ساخت معابد، آتشکده ها و کاخ ها بوده است پرداخته شد و چگونگی به کارگیری ظرافت و طبع معماری و معماران ایرانی با ورود اسلام در مساجد بررسی شد.

واژگان کلیدی:

هنر اسلامی، ایران باستان، رسوم، آیین، فرهنگ باستان

## ۱-مقدمه

هنر اسلامی با فتوحات اعراب مسلمان و راه یابی آنان به سرزمین های مفتوحه آغاز می شود. عرب ها ابتدا با فتح شهرهای متمدن سوریه به سوی شرق لشکرکشی کردند و کمر به انقراض ساسانیان بستند. سه سال بعد از اولین حمله ی اعراب به ایران در سال ۱۳ هجری تیسفون پایتخت ساسانیان در جنگ قادسیه فتح گردید. در سال ۲۱ ه سپاهیان یزدگرد سوم در جنگ نهاوند با شکست قطعی از هم پاشیدند و در نتیجه راه سراسر ایران برای اعراب هموار گردید. سپاه دیگر عرب در بیزانس پیشروی کرد و در سال ۲۰ ه به مصر رسید و شهر اسکندریه را در میان گرفت. (تفضلی، ۱۳۸۹، ۲)

اعراب پس از فتح کشورهای متمدن با پیشه و هنر مردم آنجا آشنا شدند و آنها که بیابانگرد و چادرنشین بودند ناگهان فرمانروای سرزمینهایی شدند که پرستشگاههای رومیان و کاخها و بناهای عظیم ایران آنها را به شگفتی واداشت. (همان، ۷)

مجاور شدن فرهنگ و تمدن نوپای اسلامی با تمدنهای کهن جهان و کوشش برای شناخت و انتقال آنها به حوزه تمدن اسلامی این نهضت بطور جدی از سده ۲ آغاز و تا سده های ۳ و ۴ ه ادامه یافت. این انتقال تمدن از چند طریق انجام گرفت از جمله نهضت ترجمه، تأسیس کتابخانه ها و مدارس و انتقال کتاب از حوزه های تمدنی مجاور به حوزه تمدن اسلامی و انتقال دانشمندان و به تعبیر امروز جذب مغزهای متفکر به مراکز علمی و آموزشی اسلام، (ولایتی، ۱۱، ۱۳۸۰) هجرت پیامبر اسلام از مکه به مدینه (مطابق با سال ۱۲۲ م) مبدأ تاریخ مسلمین قرار گرفته است. بعد از وفات محمد (ص) در سال ۱۱ ه ق، رهبری اسلام به خلفای راشدین رسید، در سال ۲۹ ه (ق) حضرت علی (ع) خلافت را پذیرفت و پایتخت اسلام را به کوفه منتقل کرد و بعد از شهادت ایشان در سال ۴۰ ه، معاویه خلافت را در دست گرفت و دمشق را مرکز خلافت قرار داد. امویان که جانشینان معاویه بودند از ۴۱ تا ۱۳۲ هی قمری حاکم بودند که عباسیان جانشین آنان شدند و بغداد مرکز حکومتشان بود، که تا سال ۶۵۶ ه به خلافت ادامه دادند تا اینکه هلاکو خان بساط ایشان را برچید.

اما دلایل اینکه "قوم عرب سابقه و سبکی در معماری و دیگر هنرها نداشتند و هنرشان محصور می شد به نساجی (بوریاپافی) و ساختن بت". (مرزبان، ۱۳۹۰، ۱۱۰) این است که عربستان (سرزمین اسلام) سرزمینی خشک و سوزان است و ساکنانش همواره در جنگ با طبیعت زمخت و خشن این اقلیم زندگی کرده اند که آنان را از تولید هنرهای گوناگون عاجز ساخته است. همه ی استعداد آنان صرف تولید حداقل مایحتاج زندگی می شد. اسلام در چنین سرزمینی متولد شد اما میدانیم که این یک ایدئولوژی است نه ملیت و حساب دین و اعراب از هم جداست چرا که اسلام، دینی جهان شمول است. بنابراین این ایدئولوژی الهی به هر سرزمینی که وارد می شود سنت های زیبای آن سرزمین را در موضوعات مختلف اخذ می کند و بارور می شود و بدین ترتیب هنر اسلامی مجموعه روش هایی است که از برخورد افکار و سنت های شرق و غرب با تفکر دین اسلام بوجود آمده است.

## ۲- روش تحقیق

### ۲-۱- برخورد هنر ساسانی با تفکر اسلام و ظهور هنر ایرانی-اسلامی

امپراتوری ایران به سال ۶۳۷ م در معرض هجوم اعراب واقع شد و تسخیر مملکت، شانزده سال بعد با مرگ یزدگرد سوم پایان یافت. خلفای دمشق نزدیک یک قرن پر ایران حکم راندند و کشور را به چندین ایالت تقسیم کردند و بر هر ایلتی حاکمی که از سوی دمشق تعیین می شد گماشتند. (شفا، ۱۳۸۰، ۲۲)

جنبش بازگیری ایران در طبرستان و خراسان از ۷۰۰ تا ۸۰۰ م روی داد که طی آن ابومسلم خراسانی و یعقوب صفاری اعراب را بیرون کرده و اعلام استقلال ملی کردند. تمدن اسلامی در قرنهای ۱۰ تا ۱۳ م یعنی بعد از استقلال ایران به اوج عظمت رسید. (همان، ۲۳)

ایرانیان با قبول اسلام سنتهای هنری خود را کنار نگذاشتند و در ساختن بناهای مذهبی همان شیوه های باستانی را با اعتقادات جدید هماهنگ و از آن برای ایجاد آثار باشکوه دنیای اسلام بهره گرفتند و از این راه با وارد ساختن تجربیاتی که از یک تمدن کهن سرچشمه می گیرد، در آئین جدید سهم بزرگی در ایجاد معماری اسلامی بدست آوردند. (تجویدی، ۱۳۹۰، ۲۰۰۸)

سرشت عمیتا هنری ایرانیان و عشقشان به زیبایی، دقت و ظرافت به آنان امکان داد نه تنها یکی از مدارس عظیم هنر را در جهان باستان و در ایام حکومت هخامنشیان، پارتیان و ساسانیان برپا سازند بلکه مذهب اسلام را نیز جذب و در خلق آثار خیره کننده بسیار در عرصه هنر اسلامی بکار گیرند. (نصر، ۱۳۷۹، ۹۷)

تمام تجربیات هنری و فرهنگی و سنتهای باستانی ایرانی به خدمت آئین نو گماشته شد و پایه های هنر اسلامی را بنیان نهاد. (تجویدی، خرداد ۱۳۹۰، ۲۰۱۰)

به بیانی دیگر ایرانیانی که سالها پیش از اسلام و حتی پیش از میلاد مسیح به صورت همگانی و در نیایشگاهها به عبادت ایزدی واحد می پرداختند (که نمونه ی بارزش را در تمدن عیلام و زیگورات چغازنبیل شاهد هستیم که متعلق به هزاره ی چهارم (پ.م) می باشد که اونتاش گال فرمانروای عیلامیان برای عبادت خدای اینشوشیناک ساخته بود) زودتر با مساجد انس میگیرند و هنر معماری شان را که سالها در خدمت ساخت معابد، آتشکده ها و... بوده است (به طور مثال، چهارطاقی هایی که در ساخت آتشکده ها در زمان ساسانیان ابداع شد) را به شکل زیبایی در خصوص ساخت مساجد به کار می گیرند.

## ۲-۲- پیوند دین و دولت در عصر ساسانی

آنچه در وصیت‌نامه اردشیر بابکان، سرسلسله امپراتوری ساسانی به فرزندش شاپور (۲۴۱-۲۷۱م) آمده است، که به روشنی، گسست سیاست مذهبی دولت‌مردان این سلسله را از دوره‌های پیشین روشن می‌نماید.

"پسر من! دین و شاهی قرین یکدیگرند و یکی از دیگری بی‌نیاز نیست؛ دین اساس ملک است و ملک، نگهبان دین است. هر چه را اساس نباشد معدوم گردد و هر چه نگهبان نداشته باشد تباهی گیرد". (مسعودی، ج ۱، ۲۳۴)

دوران حکومت ساسانیان به لحاظ تاریخ مذهبی، مهم‌ترین دوره تاریخ ایران باستان به شمار می‌آید. در این دوره که حکومت صبغه کاملاً دینی داشت، شاهد رستاخیز فرهنگی عظیمی هستیم که بر دین و آداب و رسوم ملی ایران تکیه می‌کرد اردشیر از خانواده‌ای مذهبی در خطه فارس برخاست. (تاریخ طبری، ج ۲، ۵۸۰ و ابن اثیر، الکامل، ج ۱، ۳۸۰) وی خاندان خویش را که در منطقه از نفوذ معنوی فوق‌العاده‌ای بهره‌مند بودند، منسوب به خاندان هخامنشی می‌دانست. (رومن گیرشمن، ۱۳۳۸، ۲۸۵) در واقع، اردشیر با جلب نظر روحانیون متنفذ در پی آن بود که ضمن موضع‌گیری در برابر مخالفان احتمالی، آنان را در رسیدن به اهدافش با خود همراه سازد. وی با تشکیل سازمان مذهبی منظمی برای مؤبدان در ایالات، ارتباط تنگاتنگی میان دستگاه مذهبی و دستگاه حاکمه ایجاد نمود و از همان ابتدا دین و دولت را قرین هم ساخت. نبرگ در این زمینه وابستگی به دین مغان، بدان گونه که در فارس شکل گرفته و پرداخته شده بود، از شرایط گریزناپذیر برای راه "می‌نویسد: روحانیون بر پارتیان چیره شده بود، (رومن گیرشمن، همان، ۲۸۵) وی که در سایه حمایت "یافتن به مقامات بالای دولتی شد پس از تثبیت قدرت سیاسی خویش در اولین اقدام به احیای عقاید مذهبی دیرین، به‌ویژه کیش زرتشتی مبادرت ورزید. به دستور وی کتاب اوستا که در ایام استیلای اسکندر و جانشینانش تمام یا قسمتی از آن از بین رفته بود، بازنویسی شد و دیانت زرتشتی را تا سطح مذهب رسمی ارتقا داد. (گیرشمن، همان، ۳۰۷)

لازم به ذکر است که هر چند دین زرتشتی بسیار دیر در این سرزمین جنبه رسمی یافت و سازمان و تشکیلات قدرت‌مندی پیدا کرد، لکن این بدان معنا نیست که پذیرش عمومی این آیین، از عصر ساسانی آغاز شده باشد. (همان) کیش زرتشت از همان بدو ظهور، پیروان بسیاری بین ایرانیان پیدا کرد، ولی در نتیجه سیاست مذهبی دولت‌مردان پیشین، جنبه رسمی به خود نگرفت. درست مانند مذهب تشیع که بسیاری از ایرانیان مدت‌های مدید متمایل به این مذهب بودند، ولی چندین قرن گذشت تا این‌که در عصر صفوی به دین رسمی ایرانیان تبدیل شد.

همان‌طور که اشاره شد از مهم‌ترین شاخصه‌هایی که تاریخ سیاسی و مذهبی این دوره را از سایرین متمایز می‌سازند، هم‌نواختی و هماهنگی دین و دولت، به‌خصوص در عصر نخستین پادشاهان این سلسله است، به گفته ریچارد نلسون فرای

«همداستانی و همراهی دین و دولت که از پایه های اسلام به شمار می رود (الدین و المُلک توأمان) سرمشقی از دولت ساسانی است و در کتاب اندرز که از پهلوی به عربی برگردانده شده، همین مطلب آمده است» (فرای، ۱۳۸۰، ۳۸۸)

در این دوره، سلطنت و وحدت کشور بر مذهب متکی شد و بین دیانت و سیاست، پیوندی عمیق شکل گرفت. (آرتور امانوئل کریستن سن ۱۳۸۵، ۳۵۹) عاملی که این پیوند را استواری می بخشد، علاوه بر رسمیت یافتن دین زرتشتی، همبستگی نسبی و اهداف دینی و اجتماعی مشترک میان روحانیون و پادشاهان بود که بر اساس آن، دولت حامی دین شد و دین پشتیبان دولت. این رابطه مناسب پادشاهان با نهادهای مذهبی و کسب پایگاه مقدس در بین توده مردم کمک شایانی به آن ها نمود تا بتوانند مدتی بسیار طولانی و در میان آن همه آشوب و ناآرامی تاج و تخت خود را حفظ کنند.

### ۳-۲-تداوم حیات هنر ایران باستان پس از اسلام

همانطور که عنوان شد ویژگیهای قومی و نژادی متفاوت در تمدن های کهن ایران باستان، فرهنگ و هنر گوناگونی را عرضه کرده است، اما باید پذیرفت که اساسی ترین نقش را در شکل گیری هنر ایران، اندیشه و باور متفاوت مردمان داشته است. هنر و فلسفه پیدایش نقش ها و عنصرهای تزئینی گوناگون شامل نقش های گیاهی، جانوری انسانی، هندسی، نقوش ملهم از طبیعت و نقوش انتزاعی و ترکیبی و ... در هنر باستان و هنر پس از اسلام بیشتر به باورهای مذهبی، سیاسی، باورهای بومی و گاه غیر بومی و بیگانه، رخداد های تاریخی افسانه ها و اسطوره های ملی و گاه غیر ملی و پندارهای اخلاقی باز می گردد. بسیاری از آن ها با ورود آریایی ها به نجد ایران آمده اند و برخی دیگر زاده اندیشگی تمدن های بومی این نجد مانند ایلامیانند. همانگونه که اثر هنر و فرهنگ اسلامی بر هنر و فرهنگ هخامنشی بسیار مشخص است و به گونه ای می توان گفت که هخامنشیان ادامه دهنده دستاوردهای تمدن ایلام اند. تاثیر هنر هخامنشیان نیز بر هنر دوران های پشتر قابل شناسایی است.

اما هنر را در هر دسته بندی (مانند دسته هنرهای اسلامی) قرار دهیم، نتیجه ی حاصله اش جز تلفیق شاخص های دینی و طرز تفکر مردمان معتقد به آن نیست، اما همزمان و همچنان وام دار و متأثر از پیشینه فرهنگی و تجربیات هنرمندان کهن آن مردمان هم است.

یکی از روش های شناسایی آثار گذشته، جستجو در نماد ها و نقش هایی است که در طی زمان حرکت کرده و گاهی در معانی دگرگون شده همچنان نمود می یابد. این جستجو ما را به ریشه و چپستی اندیشه و ویژگی های روحی یک قوم رهنمون می شود.

به تعبیری دیگر می توان گفت یکی از بهترین راه های آشنایی با فرهنگ و باورها و سنت های مردمان پیشین از طریق مطالعه نقوش نمادین در هنرها امکان پذیر است، زیرا که بیشتر نقوش و تصاویر سرشار از مفاهیم هستند.

"برای درک این مفاهیم ضرورت دارد که تمامی علایم و نقوش که در آثار هنری و تاریخی دارای ویژگی نمادین هستند شناسایی شود. نمادهای به کار گرفته شده در آثار هنری و تاریخی ایران اغلب بر مسایل آرمانی و اعتقادی مردم تکیه دارد فرهنگ پیوسته ایران، از دیرباز به باورها، داستان ها و اسطوره های مربوط شده که هر کدام مبین نیازی خاص و بازتاب آرزویی ملی و جهت یافته بوده است. افسانه و اسطوره ها به عنوان جلوه ای از فرهنگی با خلاقیت قومی رابطه مستقیم داشته و مراد از این خلاقیت، در این جا چیزی در حدود نوعی آفرینش هنری است. باید بگوییم اسطوره نخستین بخش از تاریخ شفاهی و غیر مدون و نخستین وسیله برای بازگویی جهان بینی انسان به شمار می رفته است. اسطوره با رمز و راز همراه است، و نقوش اسطوره همیشه به عنوان سرفصل کتاب نقشه بخشی از فلسفه نقش را به خود اختصاص داده است. گفتن این که اسطوره و هنر دو روی یک سکه اند و دارای خاستگاه و هدف مشترک و یکسانند خیلی ناصحیح نیست. آنچه این دو را از هم جدا می کند، یکی نحوه آرایه و به اصطلاح ظرف بیان آنهاست و دیگر اینکه پدید آورنده اسطوره، خلاقیت جمعی و عامل پدیدایی اثر هنری، آفرینش فردی است. حال آنکه در غایت و هدف، هر دو، به جامعه و فرهنگ تعلق دارند. هنر و افسانه، هر دو، در موقعیتی متولد می شوند که ذهن هنرمند و افسانه پرداز آزادانه بتواند حرکت کند و قیدها و محدودیتها آن را از جریان طبیعی خویش منحرف نسازد." (غلامعلی، ۱۳۷۴، ۳۵۵)

#### ۴-۲- تاثیر متقابل اسلام در هنر ایران

در ادامه ی مباحث پیشین باید اذعان داشت که تازه مسلمانانی که در صدر اسلام به ایران پا گذاشتند، روح معنوی اسلام را در بین ایرانیان تشنه به حقانیت و عدالت جاری ساختند. مسلمین که خود در ایران با شکل دگرگونه ای از تمدن و فرهنگ روبرو شده بودند (بطوریکه در دراز مدت زیر سیطره ی این تمدن و فرهنگ قرار گرفتند) متقابلا روح اسلام گرایی را بواسطه حقانیت و کمال باطنی دین جدید، عرضه نمودند. و اینگونه شد که کالبد هنر ایرانی با روح اسلام و معنویت آن جلایی تازه و شکوهی دیگر گیرد. ایرانیان از طرفی با تکیه بر پیشینه ی قوی فرهنگی خود، و از سویی دیگر با شناخت دو منبع الهام بخشی دین جدید، یعنی کتاب مقدس (قرآن) و عبادتگاه آن (مسجد)، همت خویش را در شکل گیری هنری بدیع با عنوان "هنر اسلامی" در دو زمینه ی معماری مساجد و کتیبه نگاری با خطوط اسلامی به کرسی نشانند. هنر در اسلام بخصوص در زمینه ی هنرهای تجسمی، بیش از هر چیز، در قالب معماری مساجد و کتابت کلام خدا نمود یافت و این دو هنر مقدس با الگو پذیری از سخنان نبی اکرم (ص) در تاکید به پرداختن به آنچه ماورای دنیای فانی ست، در هم آمیختند. فضایی به نام مسجد در ایران صدر اسلام (پنج قرن اول هجری) فارغ از هر گونه پیچیدگی و تجمل گرایی در برابر انسان نماز گزار ساخته شد تا عاشق دل سپرده به حضرت دوست، بی هیچ واسطه و دغدغه ای با معشوقه اش به راز و نیاز بپردازد. و بدین شکل مسجد به عنوان مهم ترین جلوه و فضای مقدس در اسلام در هماهنگی و وحدت کامل با اصل خلقت، که عبادت خالصانه

انسان برای خداوند است، در ایران شکل گرفت. به نوعی "ساختمان مردم وار و بی پیرایه پیامبر(ص) که به نخستین عبادت گاه مسلمانان درآمد، چند سالی پس از پایان (شاید کمتر از نیم سده)، در سرزمینی بسیار دور از مدینه، ویژگی معماری نو مسلمانان ایرانی شد و در فهرج (یکی از چهار شهر آن روز یزد) با بهره گیری از آنچه در دسترس داشتند، خدا خانه ای، برای هم کیشان خود بنا کردند و مسجد فهرج یزد، شروع معماری اسلامی در ایران شد" (کیانی، ۱۳۸۵، ۵). از طرفی ایرانیان از همان ابتدا با تکمیل فرم های خط کوفی و ابداع خطوط پیرآموز و معقلی، آن را در زمینه ی کتابت و کتیبه یاری بخشیدند و به واسطه ی منع مذهبی و دینی از بعضی از هنرها مثل مجسمه سازی و نقاشی، به خطاطی و خوشنویسی و کتیبه نگاری دینی روی آوردند. ایمانی می نویسد: "در قرن چهار هجری، ابن مقله که از مردمان فارس بوده و در بغداد می زیست، خط کوفی را به شش خط کاهش داد. در اواخر عهد بنی امیه و اوایل عهد بنی عباس که خط کوفی از حوزه ی عربستان تجاوز کرد و در کشورهای دیگر مانند ایران و آسیای صغیر و شمال آفریقا منتشر شد، کم کم انواع مختلفی از آن پدیدار گشت. در عصر عباسی (۶۵۶-۱۳۲) جنبه رسمی و کتیبه ای و تزئینی خط کوفی گسترش بیشتری یافت تا سرانجام با شکل های پیچ پیچ و ناخوانایی که یافت تنها برای زیور بناها به کار برده شد" (ایمانی، ۱۳۸۴، ۸۵). این هنر که صدر اسلام در ایران پایه های خود را محکم می کرد به موازات در بسیاری از مساجد اوایل اسلام در ایران به عنوان تزئین بکار گرفته شد.

#### ۴- نتیجه

به یقین میان هنر ایران باستان و معتقدات دینی و مذهبی جامعه ارتباطی متقابل برقرار بوده است. دو حوزه دین و دولت که هر دو به گستره عمومی جامعه تعلق داشتند، در تأمین خواسته ها و منافع مادی و معنوی خویش در موارد بسیار، هم پوشانی یافته اند. حکومت ها بر بنیادهای مذهبی و دینی استوار بوده و پادشاهان سعی داشتند با ابراز علاقه به اعتقادات رایج جامعه و خویش را مستحکم نگه دارند. البته در برخی دوره ها بین دو گروه، جلب نظر دستگاه مذهبی، پایه های قدرت سیاسی تعارض هایی پدید می آمد که یا ناشی از سیاست مذهبی دولت مردان آن عصر بود که بر تساهل و تسامح تکیه داشت و یا ناشی از دخالت بیش از حد متولیان نهاد دین در حکومت سرزمین پهناور ایران به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی و قابلیت های گسترده فرهنگی که ناشی از آداب و رسوم پیشینیانش بوده است، محل تلاقی فرهنگ ها و تمدن های عظیم و در نتیجه، شیوع افکار و عقاید گوناگون بوده است، از این رو در ایران باستان تنوع جریان ها، افکار و اعتقادات مذهبی متعددی وجود داشته است که این سرزمین را میدان نفوذ و فعالیت خویش قرار داده بودند در این میان نقش ایدئولوژیک دین اسلام از باقی ادیان پررنگ تر بوده است که نتیجه تلفیق و مواجه آن با هنر و تمدن ایرانی، ایجاد هنر زیبا و منحصر بفرد اسلامی- ایرانی شده است که آوازه اش در غرب و شرق این کره ی خاکی طنین انداز شده است. برای نمونه هنر معماری ایرانیان که قبل از ورود

اسلام به ایران در خدمت ساخت معابد، آتشکده ها و کاخ ها بوده است با ورود اسلام در ساخت مساجد به کار گرفته شد (چهار طاقی های دوره ی ساسانی که برای ساخت آتشکده ها بود در احداث مساجد ایرانی به کار گرفته شد و با طبع هنرمندان و معماران ایرانی در ساخت اماکن مذهبی همراه شد.

### منابع و ماخذ

- ۱- ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، جلد ۱
- ۲- ایمانی، علی، ۱۳۸۴، سیر خط کوفی در ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات هیرمند
- ۳- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۸۰ و ابن اثیر، الکامل، جلد ۱
- ۴- تجویدی، اکبر، تاثیر هنر ایرانی در نقاشی های طاق یک نمازخانه در جزیره ی سیسیل، خرداد ۵۴، نشریه ی هنر و مردم شماره ی ۴۴، دوره ی ۴
- ۵- تفضلی، عباسعلی، تاریخ هنر و معماری اسلامی تا دوره ی مغول، ۱۳۸۶، چاپ اول، مشهد، انتشارات سخن گستر و معاونت پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی مشهد
- ۶- ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، بهار ۱۳۸۴، جلد ۱، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- ۷- شفا، شجاع الدین، ایران در اسپانیای مسلمان (نقش ایران در تمدن و فرهنگ اسپانیای مسلمان و از اسپانیای مسلمان در اروپا) ۱۳۸۵، ترجمه ی مهدی سمساری، چاپ اول، تهران، نشر گستره
- ۸- غلامعلی، حاتم، نقش و نماد در سفالینه های کهن ایران، ۱۳۷۴، مجله هنر، شماره ۲۸
- ۹- فرای، میراث باستانی ایران، ۱۳۸۰، ترجمه ی مسعود رجب نیا، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۱۰- کریستن سن، آرتور امانوئل، ایران در زمان ساسانیان، ۱۳۸۵، ترجمه ی رشید یاسمی، تهران، انتشارات صدای معاصر
- ۱۱- کیانی، محمد یوسف، ۱۳۸۵، معماری ایران دوره اسلامی، تهران، انتشارات سمت
- ۱۲- گیرشمن، رومن، تاریخ ایران، ۱۳۳۸، ترجمه ی دکتر محمد معین
- ۱۳- مرزبان، پرویز، ۱۳۸۴، خلاصه تاریخ هنر، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
- ۱۴- نصر سید حسین، هنر و معنویت اسلامی، ۱۳۷۵، ترجمه رحیم قاسمیان، چاپ اول، تهران، نشر دفتر مطالعات دینی